

نمازهای سه گانه



ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ يَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدَ بِهِ أَصْفِيَاؤُكَ وَاعْتَرَفَ بِمَا اعْتَرَفَ بِهِ أَهْلُ  
الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَالَّذِينَ طَافُوا عَرْشَكَ الْعَظِيمَ \* الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ لَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

سپس بالا برد سرش را و بنشیند و بگوید:

گواهی می‌دهم ای معبود من به آنچه شهادت دادند به آن برگزیدگان تو و اعتراف می‌کنم به آنچه اعتراف کردند به آن ساکنین بهشت برین و آنانیکه طواف کردند به دور عرش عظیم تو. مُلک و ملکوت از آن تو است ای معبود عالمها.



## بشارتِ عظمی

... آیات منزله در سنین قبل که مخصوص صلوة نازل شده بفرست و بنویس لعمر  
الله نجاتش عاشقین را جذب نماید و ساکنین را باهتزاز آرد و منصفین را حیات  
بخشد ولکن \* (اول) \* هر هنگام و هر وقت که انسان در خود حالت اقبال و  
خضوع مشاهده نماید بعمل آرد \* (و ثانی) \* در بامداد و حین زوال و اصیل \* (و  
ثالث) \* از زوال بزوال (انتهی)

## نماز صغیر

(صلاة صغیر که از زوال به زوال تلاوت می‌شود)

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَعِبَادَتِكَ \*  
أَشْهَدُ فِي هَذَا الْحِينِ  
بِعَجْزِي وَقُوَّتِكَ وَضَعْفِي وَاقْتِدَارِكَ وَفَقْرِي وَغَنَائِكَ \*  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ.

گواهی می‌دهم ای معبود من بدرستی که تو خلق فرمودی مرا برای شناسائیت و بندگیت.

گواهی می‌دهم در این هنگام

به ناتوانی خودم و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی‌نیازی تو.

نیست معبودی جز توی مهیمن قیوم.



## وضو

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ لَهُ أَنْ يَغْسِلَ يَدَيْهِ وَفِي حِينِ لَغْسَلِ يَقُولُ:

إِلَهِي قُوَّ يَدَيَّ لِتَأْخُذَ كِتَابَكَ بِاسْتِقَامَةٍ لَا تَمْنَعُهَا جُنُودُ الْعَالَمِ ثُمَّ  
أَحْفَظُهَا عَنِ التَّصَرُّفِ فِيمَا لَمْ يَدْخُلْ فِي مَلِكِهَا \* إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ  
الْقَدِيرُ.

و کسی که خواست اینکه نماز بگذارد بر اوست اینکه بشوید دو دستش را و در هنگام  
شستن بگوید: خدای من قوت بده و قوی کن دست مرا تا بگیرد کتابت را با پایداری که  
باز ندارد آنها را لشکریان عالم، سپس حفظ فرما آن را از تصرف کردن در آنچه داخل  
نشده در ملک آن {دست} بدرستی که توئی مقتدر و قدیر.

وَفِي حِينِ غَسْلِ الْوَجْهِ يَقُولُ:

أَيُّ رَبِّ وَجْهَتْ وَجْهِي إِلَيْكَ \* نورهً بِنُورِ وَجْهِكَ ثُمَّ أَحْفَظُهُ عَنِ  
التَّوَجُّهِ إِلَى غَيْرِكَ.

و در هنگام شستن صورت بگوید: ای پروردگار من روی نمودم وجهم را بسوی تو. نورانی  
فرما آن را به نورهای وجهت سپس حفظ فرما آن را از توجه بسوی غیر خودت.



عِبْرَاتِي تَمْنَعُنِي عَنِ الذِّكْرِ وَ الشَّائِءِ يَا رَبَّ الْعَرْشِ وَ الثَّرَى \* أَسْأَلُكَ  
بِآيَاتِ مَلَكُوتِكَ وَ أَسْرَارِ جَبْرُوتِكَ بِأَنْ تَعْمَلَ بِأَوْلِيَاءِكَ مَا يَنْبَغِي  
لِجُودِكَ يَا مَالِكَ الْوُجُودِ وَيَلِيْقُ لِفَضْلِكَ يَا سُلْطَانَ الْغَيْبِ وَ الشُّهُودِ.

سپس بایستد و بگوید:

خدای من خدای من گناه من شکست پشت مرا و غفلت من مرا هلاک کرد هر هنگام  
می اندیشم در بدی عملم و نیکی عمل تو می گدازد جگرم و به جوشش در می آید خون  
در رگهایم و به جمالت ای مقصود عالم بدرستی رویم حیا می کند و خجالت می کشد  
باینکه رو به سوی تو نماید و دستهای آرزو خجالت می کشد از اینکه بالا برود به آسمان  
کرم تو می بینی ای معبود من اشکهای مرا که مرا باز می دارد از ذکر و ثنا، ای پروردگار  
عرش و زمین سوال می کنم از تو به آیات ملکوت و اسرار جبروت باینکه عمل بفرمائی  
نسبت به دوستان آنچه سزاوار بخشش تو است ای صاحب وجود و هستی و لایق فضل  
تو است ای سلطان غیب و آشکارا.

ثُمَّ يَكْبِرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَسْجُدُ وَيَقُولُ:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهَنَا بِمَا أَنْزَلْتَ لَنَا مَا يَقْرُبُنَا إِلَيْكَ وَ يَرْزُقُنَا كُلَّ خَيْرٍ  
أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَ زُبْرِكَ \* أَيُّ رَبِّ نَسْأَلُكَ بِأَنْ تَحْفَظْنَا مِنْ جُنُودِ  
الظُّنُونِ وَ الْأَوْهَامِ \* إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلَامُ.

سپس سه بار تکبیر (الله ابهی) بگوید و سجده رود و بگوید:

حمد و ستایش تو را سزااست ای معبود ما بدان سبب که فروفرستادی برایمان آنچه را که ما  
را نزدیک کند به سویت و هر خیری که مرزوق دارد ما را فروفرستادی در کتابهایت و  
نوشتجاتت ای پروردگار من از تو سوال می نمایم به اینکه حفظ بفرمائی ما را از لشکریان  
خیالات و اوهام بدرستی که توئی پروردگاری نهایت دانا .

## نماز وسطی

(در بامداد و حین زوال (ظهر تا غروب) و اصیل (بعد از غروب) تلاوت می شود)

وَبَعْدُ لَهُ أَنْ يُقُومَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ وَيَقُولَ:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ \* لَهُ الْأَمْرُ وَالْخَلْقُ \* قَدْ أَظْهَرَ مَشْرِقَ الظُّهُورِ  
وَ مَكَلَّمَ الطُّورَ الَّذِي بِهِ أَنَارَ الْأَفُقَ الْأَعْلَى وَ نَطَقَتْ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى وَ  
ارْتَفَعَ النَّدَاءُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ أَتَى الْمَالِكُ. الْمَلِكُ وَ  
الْمَلَكُوتُ وَ الْعِزَّةُ وَ الْجَبْرُوتُ لِلَّهِ مَوْلَى الْوَرَى وَ مَالِكِ الْعَرْشِ وَ  
النَّشْرِ.

و بعد بر اوست اینکه بایستد در حالیکه روی نموده بسوی قبله و بگوید:

گواهی می دهد خداوند بدرستی که نیست خدائی جز او. از برای اوست امر فرمودن و خلق کردن. ظاهر فرموده است محل تابش ظهور و تکلم کننده کوه طور را که به وسیله آن روشن شد افق اعلی و نطق فرمود سدره منتهی و بالا رفت این ندا بین زمین و آسمان. به تحقیق آمده است مالک ملک و ملکوت و بزرگواری و جبروت از برای خدائی (که) آقای خلق و صاحب عرش و زمین است.

ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ عَنْ ذِكْرِي وَ ذِكْرِ دُونِي وَ وَصْفِي وَ وَصْفِ مَنْ فِي  
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ.

سپس به رکوع رود و بگوید:

پاک و مقدسی از ذکر من و ذکر غیر من و وصف من و وصف و تعریف کسی که (کسانیکه) در آسمانها و زمینها هستند.

نزدیک شدن به تو و خطاهایم باز داشت مرا از وارد شدن در فضای قدس تو. ای پروردگار من حب و دوستی تو مرا قوت بخشید و دوری تو و هجران تو مرا هلاک نمود و دور بودن از تو مرا سوزانید از تو سوال می نمایم به قدمگاہت در این بیابان و به لبیک لبیک گفتن برگزیدگانت در این فضا و ساحت و به نفعات (بوهای خوش) وحی تو و نسیمهای فجر ظهورت باینکه مقدر بفرمائی برایم زیارت جمالت را و عمل به آنچه در کتابت هست.

ثُمَّ يَكْبِرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَرْكَعُ وَيَقُولُ:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا أَيْدَتَنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ وَ عَرَفْتَنِي  
مَشْرِقَ آيَاتِكَ وَ جَعَلْتَنِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ خَاشِعًا لِأَلُوْهِيَّتِكَ وَ  
مُعْتَرِفًا بِمَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ عَظَمَتِكَ.

سپس سه بار تکبیر (الله ابهی) بگوید و در رکوع بگوید:

برای تو است حمد و ستایش ای معبود من بدان سبب که تائیدم فرمودی بر ذکر خودت و ثنای خودت و شناساندی به من محل تابش آیاتت را و مرا فرار فرمودی خاضع از برای پروردگاریت و خاشع از برای خداوندیت و معترف به آنچه نطق فرمود بدان زبان عظمت و بزرگواری تو.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ:

إِلَهِي إِلَهِي عِصْيَانِي أَنْقَضَ ظَهْرِي وَ غَفَلْتِي أَهْلَكْتَنِي \* كَلَّمَا أَتَفَكَّرْتُ  
فِي سُوءِ عَمَلِي وَ حُسْنِ عَمَلِكَ يَذُوبُ كَبِدِي وَ يَغْلِي الدَّمُ فِي عُرْوِقِي  
\* وَ جَمَالِكَ يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ إِنَّ الْوَجْهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَ  
أَيَادِي الرَّجَاءِ تَخْجَلُ أَنْ تَرْتَفَعَ إِلَى سَمَاءِ كَرَمِكَ \* تَرَى يَا إِلَهِي

ظَهَرَ إِنَّهُ هُوَ السِّرُّ الْمَكْنُونُ وَ الرَّمْزُ الْمَخْزُونُ الَّذِي بِهِ أَقْتَرَنَ الْكَافُ  
بِرُكْنِهِ النُّونِ \* أَشْهَدُ أَنَّهُ هُوَ الْمَسْطُورُ مِنَ الْقَلَمِ الْأَعْلَى وَ الْمَذْكُورُ فِي  
كُتُبِ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ وَ الثَّرَى.

سپس بنشیند و بگوید:

گواهی می‌دهم به آنچه گواهی دادند اشیاء و گروه عالم بالا و جنت علیا و از وراء و پشت سر آنها لسان عظمت و بزرگواری از اُفقِ ابهی بدرستی که تو خدائی هستی که نیست معبودی جز تو و کسیکه ظاهر شد بدرستی که اوست سر مکنون و رمز مخزون که به او قرین شد کاف به رکنش نون (کن یعنی خلق شو) گواهی می‌دهم بدرستی که اوست نوشته شده از قلمِ اعلی و ذکر شده در کتابهای خداوند پروردگار عرش و زمین.

ثُمَّ يَقُومُ مُسْتَقِيمًا وَيَقُولُ:

يَا إِلَهَ الْوُجُودِ وَ مَالِكِ الْغَيْبِ وَ الشُّهُودِ تَرَى عِبْرَاتِي وَ زَفْرَاتِي وَ تَسْمَعُ  
ضَجِيجِي وَ صَرِيحِي وَ حَنِينَ فُؤَادِي وَ عَزَّتِكَ اجْتِرَاحَاتِي أَبْعَدْتَنِي عَنِ  
التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ وَ جَرِيرَاتِي مَنَعْتَنِي عَنِ الْوُرُودِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ، أَيُّ  
رَبِّ حُبِّكَ أَضْنَانِي وَ هَجْرُكَ أَهْلَكْنِي وَ بَعْدُكَ أَحْرَفْنِي أَسْأَلُكَ  
بِمَوْطِئِ قَدَمِيكَ فِي هَذَا الْبَيْدَاءِ وَ بِلَبِيكِ لَبِيكَ أَصْفِيَاكَ فِي هَذَا  
الْفُضَاءِ وَ بِنَفْحَاتِ وَحْيِكَ وَ نَسَمَاتِ فَجْرِ ظُهُورِكَ بَأَنْ تُقَدِّرَ لِي زِيَارَةَ  
جَمَالِكَ وَ الْعَمَلَ بِمَا فِي كِتَابِكَ.

سپس بایستد و بگوید:

ای اله وجود و مالک پنهانی و آشکارا، می‌بینی اشکهای مرا و آههای مرا و می‌شنوی صدای گریه‌ی مرا و فریاد مرا و ناله‌ی دل مرا و به بزرگواریت که گناهان من دور کرد مرا از

ثُمَّ يَقُومُ لِلْقُنُوتِ وَيَقُولُ:

يَا إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ تَشَبَّثَ بِأَنَامِلِ الرَّجَاءِ بِأَذْيَالِ رَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سپس بایستد برای قنوت و بگوید:

ای معبود من محروم و ناامید مفرما کسی را که چنگ زده است با انگشتان آرزو به دامنهای رحمت تو و فضل تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ثُمَّ يَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ فَرْدَانِيَّتِكَ وَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ \* قَدْ  
أَظْهَرْتَ أَمْرَكَ وَ وَفَيْتَ بَعْدِكَ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَضْلِكَ عَلَيَّ مِنْ فِي  
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ \* وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّكْبِيرُ وَ الْبِهَاءُ عَلَيَّ  
أَوْلِيَاؤُكَ الَّذِينَ مَا مَنَعْتَهُمْ شُؤُنَاتُ الْخَلْقِ عَنِ الْإِقْبَالِ إِلَيْكَ وَ أَنْفَقُوا  
مَا عِنْدَهُمْ رَجَاءً مَا عِنْدَكَ \* إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.

سپس بنشیند و بگوید:

گواهی می‌دهم به یکتائی و فرد و تنها بودن تو و به اینکه بدرستی تو خدائی و نیست خدائی بغیر از تو. ظاهر فرموده‌ای امرت را و وفا فرموده‌ای و اِکمال فرموده‌ای عهدت را و باز فرموده‌ای در فضلت را بر کسانیکه در آسمانها و زمینها می‌باشند. درود و تهیّت و سلام و تکبیر و نورانیت و جلال بر دوستدارانت آنانیکه منع نمودشان و باز نداشت آنان را شأن‌ها و حالاتِ خلق از روی آوردن به تو و انفاق کردند آنچه را نزدشان بود به آرزوی آنچه نزد تو است بدرستی که توئی غفور کریم.



فانی را که می‌خواهد چشمه‌ی بقاء را از دستهای جودت برای تو است امر در همه‌ی احوال ای آقای اسم‌ها و برای من است تسلیم و رضا ای خالق آسمان.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَقُولُ:

اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ

سپس بالا برد دو دستش را سه بار و بگوید:

خداوند بزرگتر است از هر بزرگی.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تَصْعَدَ إِلَى سَمَاءِ قُرْبِكَ أَذْكَارُ الْمُقْرَبِينَ أَوْ أَنْ تَصِلَ إِلَى فِنَاءِ بَابِكَ طُيُورُ أَفئِدَةِ الْمُخْلِصِينَ \* أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ مُقَدَّسًا عَنِ الصِّفَاتِ وَمُنْزَهًا عَنِ الْأَسْمَاءِ \* لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَبْهَى.

سپس به سجده رود و بگوید:

پاک و مقدسی از اینکه بالا برود به آسمان قرب و نزدیکی تو ذکرهای مقربین یا اینکه وصل شود و برسد به آستانه‌ی در تو پرندگان دل‌های مخلصین. گواهی می‌دهم بدرستی که تو مقدسی از صفات و منزهی از اسمها. نیست معبودی جز تو که بلندمرتبه‌ترین و پر جلال‌ترین و نورانی‌ترین می‌باشی.

ثُمَّ يَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ الْأَشْيَاءَ وَالْمَلَائِكَةَ وَالْجِنَّةَ الْعُلْيَا وَعَنْ وَرَائِهَا لِسَانُ الْعَظَمَةِ مِنَ الْأَفْقِ الْأَبْهَى أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَالَّذِي



## نماز کبیر

(صلاة کبیر تلاوت آن یک بار در شبانه روز کافی است.)

## هُوَ الْمَنْزِلُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

لِلْمُصَلِّي أَنْ يَقُومَ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ وَإِذَا قَامَ وَاسْتَقَرَّ فِي مَقَامِهِ يَنْظُرُ إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ كَمَنْ يَنْتَظِرُ رَحْمَةً رَبِّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ يَقُولُ:

يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ أَسْأَلُكَ بِمَطَالِعِ غَيْبِكَ الْعَلِيِّ الْأَبْهَى بِأَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِي نَارًا لِتُحْرِقَ حُجُبَاتِي الَّتِي مَنَعْتَنِي عَنْ مُشَاهَدَةِ جَمَالِكَ وَنُورًا يَدُلُّنِي إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ.

اوست نازل کننده غفورِ مهربان

بر نمازگذار است که بایستد در حالیکه روی می‌آورد بسوی خدا و زمانیکه ایستاد و قرار گرفت در جای خود بنگرد به طرف راست و چپ. مانند کسیکه انتظار می‌کشد رحمت پروردگارش را که رحمن رحیم است. سپس بر اوست که بگوید:

ای معبود اسمها و خالق آسمانها، از تو سوال می‌کنم به محل‌های طلوع پنهانیت که شکوه‌مندترین و نورانی‌ترین است به اینکه قرار بفرمائی نمازم را آتشی تا بسوزاند پرده‌هایی که منع کرد مرا از دیدن جمال تو و نوری که مرا دلالت و راهنمایی می‌کند به دریای وصال تو.



سپس خم شود برای رکوع از برای خداوند تبارک و تعالی و بگوید:

ای معبود من می بینی روح مرا در حالیکه به اهتزاز در آمده در اعضاء و ارکان من در حال شوق از برای بندگی تو و در حدِ اعلاى شوق و محبت از برای ذکر تو و ثنایت و گواهی می دهد به آنچه گواهی داد به آن لسان امر تو در ملکوت بیان تو و جبروت علم تو ای پروردگار من. دوست دارم اینکه از تو سوال کنم در این مقام از هر آنچه نزد تو است برای ثابت کردن فقر و نداری خودم و بالا بردن عطا و غنا و بی نیازی تو و ظاهر کردن عجز خودم و آشکار کردن قدرت و اقتدار تو.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَيَقُولُ:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ \* لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَكِيمُ فِي الْمَبْدِئِ وَالْآخِرَاتِ \* أَيُّ رَبِّ تَرَى الْمَسْكِينِ يَقْرَعُ بَابَ فَضْلِكَ وَ الْفَانِي يُرِيدُ كَثْرَةَ الْبَقَاءِ مِنْ أَيْدِي جُودِكَ \* لَكَ الْأَمْرُ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ يَا مَوْلَى الْأَسْمَاءِ وَ لِيِ التَّسْلِيمِ وَ الرِّضَاءِ يَا فَاطِرَ السَّمَاءِ.

سپس بایستد و بالا برد دو دستش را برای قنوت دیگری و بگوید:

نیست معبودی جز توی عزیز و هاب. نیست معبودی مگر توی حکم کننده در ابتدا و انتها. معبود من معبود من عفو تو مرا شجاع کرد و رحمت تو قوت بخشید مرا ندایت مرا بیدار کرد و فضلت بر پا داشت مرا و راهنمایی فرمود بسوی تو و گرنه مرا و شأن مرا چه تا بایستد نزد در شهر قرب و نزدیکی تو یا روی آورد به طرف نورهای تابان از کرانه آسمان و مقام ارجمند اراده‌ی تو. ای پروردگار من می بینی این بیچاره را که می گوید در فضلت را و این

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ يَقُولُ:

يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ وَ مَحْبُوبَ الْأُمَّمِ تَرَانِي مُقْبَلًا إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَمَّا سِوَاكَ مُتَمَسِّكًا بِحَبْلِكَ الَّذِي بِحَرَكَتِهِ تَحَرَّكَتِ الْمُمْكِنَاتُ \* أَيُّ رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ \* أَكُونُ حَاضِرًا قَائِمًا بَيْنَ أَيْدِي مَشِيَّتِكَ وَ إِرَادَتِكَ وَ مَا أُرِيدُ إِلَّا رِضَائِكَ \* أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ رَحْمَتِكَ وَ شَمْسِ فَضْلِكَ بِأَنْ تَفْعَلَ بِعَبْدِكَ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى \* وَ عِزَّتِكَ الْمَقْدَسَةِ عَنِ الذِّكْرِ وَ الشَّائِءِ كُلِّ مَا يَظْهَرُ مِنْ عِنْدِكَ هُوَ مَقْصُودُ قَلْبِي وَ مَحْبُوبُ فُؤَادِي \* إِلَهِي إِلَهِي لَا تَنْظُرْ إِلَى آمَالِي وَ أَعْمَالِي بَلْ إِلَى إِرَادَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ \* وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ يَا مَالِكَ الْأُمَّمِ مَا أَرَدْتُ إِلَّا مَا أَرَدْتَهُ وَ لَا أَحِبُّ إِلَّا مَا تُحِبُّ \*

سپس بالا ببرد دو دستش را از برای قنوت برای خداوند تبارک و تعالی و بگوید:

ای مقصود عالم و محبوب امتها می بینی مرا در حال اقبال بسوی تو در حال انقطاع از آنچه جز تو است در حال تمسک به ریسمان تو که بحرکت آن بحرکت آمد ممکنات. ای پروردگار من، من بنده‌ی توام و زاده‌ی بنده تو. می باشم حاضر ایستاده بین دستهای مشیت و اراده تو و نمی خواهم مگر رضای تو را. از تو سوال می نمایم به دریای رحمت و آفتاب فضلت به اینکه عمل بفرمائی برای بنده ات آنچه دوست داری و راضی می باشی و به بزرگواریت که مقدس است از ذکر و ثناء هر آنچه ظاهر میشود از نزد تو مقصود قلب من است و دوست داشته فواد و قلب من. معبود من، معبود من نظر فرما به آرزوهای من و عملهای من بلکه به اراده و خواست خودت که احاطه فرمود آسمانها و زمین را و به اسم اعظمت ای مالک امتها. نمی خواهم مگر آنچه تو می خواهی آن را و دوست ندارم مگر آنچه را که تو دوست داری.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ مَنْ أَنْ تُوصَفَ بِوَصْفِ مَا سِوَاكَ أَوْ تُعْرَفَ بِعِرْفَانِ دُونِكَ.

سپس به سجده رود و بگوید:

پاک و مقدسی تو از اینکه وصف کرده شوی به وصف و تعریف آنچه که جز خودت باشد یا شناخته بشوی با عرفان و شناسائی غیر خودت.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ:

أَيُّ رَبِّ فَاَجْعَلْ صَلَاتِي كَوَثْرَ الْحَيَوَانِ لِيَبْقَى بِهِ ذَاتِي بِدَوَامِ سُلْطَنَتِكَ  
وَيَذْكُرَكَ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِنْ عَوَالِمِكَ.

سپس بایستد و بگوید:

ای پروردگار من پس قرار بفرما نمازم را چشمه‌ی آب حیات و زندگانی تا باقی بماند بدان وسیله ذات و وجود من به دوام سلطنت خودت و تا ذکر کند تو را در هر عالمی از عالمهایت.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً أُخْرَى وَيَقُولُ:

يَا مَنْ فِي فِرَاقِكَ ذَابَتِ الْقُلُوبُ وَ الْأَكْبَادُ وَ بِنَارِ حُبِّكَ اشْتَعَلَ مَنْ  
فِي الْبِلَادِ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ الْأَفَاقَ بَأَنْ لَا تَمْنَعَنِي  
عَمَّا عِنْدَكَ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ \* أَيُّ رَبِّ تَرَى الْغَرِيبَ سَرَعَ إِلَى وَطَنِهِ  
الْأَعْلَى ظِلُّ قِيَابِ عَظَمَتِكَ وَ جِوَارِ رَحْمَتِكَ وَ الْعَاصِي قَصْدَ بَحْرِ  
غُفْرَانِكَ وَ الدَّلِيلَ بِسَاطِ عِزِّكَ وَ الْفَقِيرَ أَفْقَ غِنَائِكَ \* لَكَ الْأَمْرُ  
فِيمَا تَشَاءُ \* أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُودُ فِي فِعْلِكَ وَ الْمُطَاعُ فِي  
حُكْمِكَ وَ الْمُخْتَارُ فِي أَمْرِكَ.

سپس بالا ببرد دو دستش را از برای قنوت بار دیگر و بگوید:

ای کسی که در دوری تو ذوب شد و گداخت دلها و جگرها و به آتش دوستی و حب تو به شعله درآمدند کسانیکه در شهرها هستند از تو سوال می‌نمایم به اسمت که بوسیله‌ی آن به زیر فرمان آوردی دنیا را با اینکه باز نداری مرا از آنچه نزد تو است ای مالک بندگان. ای پروردگار من می‌بینی این غریب را که سرعت گرفت به سوی وطن اعلائی خود که سایه خیمه‌های بزرگواری تو و جوار رحمت می باشد این گنهکار را که قصد دریای غفران و آمرزش تو را نموده و این ذلیل و خوار را که بساط بزرگواری تو را خواسته این فقیر را که افق بی نیازی تو را خواسته. امر از آن توست در آنچه بخواهی گواهی می‌دهم بدرستی که تو محمودی در فعلت و مورد اطاعت در حکمت و صاحب اختیار در امر خودت.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

سپس بالا ببرد دو دستش را و تکبیر (الله ابهی) بگوید سه مرتبه،

ثُمَّ يَنْحَنِي لِلرُّكُوعِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَيَقُولُ:

يَا إِلَهِي تَرَى رُوحِي مُهْتَزًّا فِي جَوَارِحِي وَ أَرْكَانِي شَوْقًا لِعِبَادَتِكَ وَ  
شَغْفًا لِذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ وَ يَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ بِهٖ لِسَانُ أَمْرِكَ فِي مَلَكُوتِ  
بَيَانِكَ وَ جَبْرُوتِ عِلْمِكَ \* أَيُّ رَبِّ أَحَبُّ أَنْ أَسْأَلَكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ  
كُلُّ مَا عِنْدَكَ لِإِثْبَاتِ فَقْرِي وَ إِعْلَاءِ عَطَائِكَ وَ غِنَائِكَ وَ إِظْهَارِ  
عَجْزِي وَ إِبْرَازِ قُدْرَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ.